



# بوی چوب عطر همت

هدی رضوانی پور

گزارش

که چرا خودم کار نجاری انجام ندهم! و تصمیم گرفتم با جدیت به سراغ این کار بروم. دولت‌آبادی در اوایل سال ۹۷ به دلیل تشدید تحریم‌ها مجبور می‌شود دفتر معماری‌اش را تعطیل کند و به گفته خودش از آن جایی که عاشق چوب، تولید و خلق کردن بود؛ نجاری را انتخاب می‌کند و سودای نجار شدن در سر می‌پروراند. او در خصوص حرکت به سمت نجاری می‌گوید: «اوایل سال ۹۷ برای یادگیری نجاری اقدام کردم. در شهرهای مجاور فرد مناسبی نبود و کسی زیر بار آموزش نجاری به یک خانم نمی‌رفت. در نهایت باید یک زیرمجموعه کوچک مثل منبت انتخاب می‌کردم که بیشتر کار هنری بود. اما هدف من یادگیری نجاری بود.» دولت‌آبادی پس از جستجوی فراوان با یک گروه نجاری در تهران آشنا می‌شود. استاد افزای که تحصیل کرده رشته چوب است می‌پذیرد تا به یک خانم آموزش نجاری بدهد. عشق به نجاری، دولت‌آبادی را وادار می‌کند تا یک دوره کوتاه دو ماهه را در تهران آموزش ببیند تا علاقه خود به نجاری راه محک بزند و ببیند آیا واقعاً علاقه دارد یا خیر؟ او سپری کردن این دوره را چنین توصیف می‌کند: «دوره کوتاه‌مدتی بود. چون من آدم محتاطی بودم و می‌خواستم ببینم آیا صرف وقت در حوزه نجاری می‌تواند پاسخ‌گوی علاقه‌ام باشد یا خیر؟ ناگفته نماند کار با وسایل نجاری خیلی سخت بود. اولین بار که اره به دستم دادند فرار کردم و با آن کار نکردم. بعداً که به استادم گفتم، به من خندید!»

**چون کسی شاگرد خانم نمیخواست!**

«بالاخره بعد از گذراندن دوره دو ماهه، مصمم شدم که ادامه دهم. حدود سه ماه و نیم دیگر در تهران ماندم و شبانه‌روزی تمرین کردم. همه زیر و بم کار نجاری را یاد گرفتم تا بتوانم بعداً برای خودم کارگاه بزنم. نمیخواستم شاگردی کنم چون کسی شاگرد خانم نمیخواست و این من را مصمم می‌کرد تا بتوانم برای راه‌اندازی کارگاه با دل و جرئت بیشتر گام بردارم.» دولت‌آبادی با هزینه اندک برای ورود به دنیای نجاری اقدام کرده و به گفته خودش وقتی که دفتر معماری را تعطیل می‌کند درآمد چندانی نداشته و روزی که آموزش نجاری را شروع کرده؛ فقط کرایه رفتن به تهران را داشته. کم‌کم خدا هزینه‌ها را جور کرده و او توانسته به راه‌اندازی کارگاه هم فکر کند. شاید در این دنیایی که کارهایی مثل نجاری بیشتر مرد محور است، قدم گذاشتن در وادی چوب و اره دلپره زیادی برای یک خانم به همراه داشته باشد. دولت‌آبادی هم از این دلپره به دور نبوده و می‌گوید: «ابتدای راه دلپره شدیدی داشتم. از این که نتوانم ادامه دهم؛ پشیمان شوم و به در بسته بخورم. اما خوشبختانه وقتی حمایت همه جانبه خانواده‌ام را دیدم و وقتی که برای درخواست جواز هم با من راه آمدند و من را حمایت کردند، دلم قرص شد و به آینده امیدوار شدم. خانواده ابتدا فکر نمی‌کردند من تا آخر ایستادگی کنم، ولی من به‌خاطر علاقه‌ام پای این کار ماندم.»

**به‌دنبال تلفیق چوب با هنرهای دیگر بودم**

برخی مشاغل آن‌قدر جاذبه دارند که با تحمل سختی‌های آن‌ها کنار می‌آیی تا بتوانی هر لحظه با آن‌ها سروکار داشته باشی. درست مثل شغل نجاری. بوی چوب آن‌قدر تو را از خود بی‌خود می‌کند که دوست داری ساعت‌ها لابه‌لای ورق‌های چوب سر کنی، طرح‌های جدید بزنی، خلق کنی و بعد بنشیننی یک دل سیر کارهای زیبایی را که از چوب آفریده‌ای تماشا کنی. شاید اگر بشنوی یک خانم شغل نجاری را انتخاب کرده کمی برایتان عجیب باشد، اما هستند خانم‌هایی که در گوشه‌وکنار همین سرزمین نجاری می‌کنند و با تمام سختی‌های این شغل از دل تکه‌های چوب؛ زیبایی می‌آفرینند. وجهه دولت‌آبادی یکی از همین خانم‌هایی است که اگرچه ابتدا در دنیای معماری سیر می‌کرده، اما مدتی است که به‌خاطر علاقه فراوان؛ به نجاری روی آورده و حاصل دوستی او با چوب، آثاری شده که همگان از دیدن آن لذت می‌برند.

**ز دنیای معماری به دنیای نجاری پرتاب شدم**

دولت‌آبادی روی آوردن به نجاری را این‌گونه توصیف می‌کند: «مهندسی معماری خوانده بودم؛ دفتر طراحی داشتم و کارهای پیمانکاری انجام می‌دادم. گاهی اوقات برخی از طرح‌هایی را که باید از آن ماکت تهیه می‌شد در نرم‌افزار اتوکد طراحی می‌کردم و بعد به دست نجار می‌دادم تا آن را برایم آماده کند. اما از آن جایی که نجارهای ما اکثراً تجربی کار می‌کنند، نمیتوانستند طرح‌های مدنظر من را درست از آب دریاورند و من دچار چالش می‌شدم. به همین دلیل ناگهان به سرم زد